

نگاه **احمد سینایی**؛ تاریخ پژوه

ملکه انگلستان و سلطنت پهلوی دوم، در آیینۀ یک اشاره

کلید طلایی تهران هدیه شاه به الیزابت

با هر منظری که به آغاز سلطنت پهلوی بنگریم، حکومت انگلستان در بر کشیدن رضاخان نقشی غیر قابل انکار داشته است. چه آنان که قزاق را مستقیما نشان شده اردشیر جی، ادموند اِیرونساید و عین‌الملک هویدا می‌شمارند و چه آنان که کمک‌ها و بستر سازی‌های وزارت خارجه و سفارت انگلیس در تجهیز رضا را مهم و تعیین کننده می‌شمارند، در این باره هم‌داستانند. از سوی دیگر نهاد سلطنت در انگلستان، حتی با حد اقلی‌ترین کارکردهای خویش، نمی‌توانسته در برابر بر کشیدن و حمایت از پهلوی‌ها، بی تفاوت بوده باشد.

دست کم ملکه انگلستان از بدو قدرت یابی، در حد توشیح و تأیید در رویکردهای کشورش درباره ایران نقش داشته است. این سخن هنگامی بیشتر تأیید می‌شود که حمایت‌های الیزابت دوم از محمدرضا پهلوی بیشتر مورد مرور و خوانش قرار گیرد. ادامه این یادداشت، به همین مقوله می‌پردازد.

در تار نمای مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، در باب سفر الیزابت دوم به ایران و تشریفات منضم به آن، چنین آمده است: «سفر اسفند ۱۳۳۹ ملکه الیزابت به ایران، در واقع پاسخی به سفر اردیبهشت سال قبل محمدرضاشاه به انگلستان بود. شاه در سفر به انگلستان، بی‌ملکه بود، چرا که فروردین سال قبل آن، از همسر دوش ثریا، جدا شده بود. در اسفند ۱۳۳۹، وقتی ملکه الیزابت با همسرش فیلیپ به ایران سفر کرد، شاه فارح که یک سالی از ازدواجشان می‌گذشت، میزبان آنها بودند؛ سفری که پنجشنبه ۱۱ اسفند شروع شد و دوشنبه ۱۵ اسفند به پایان رسید. ۷ سال از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ گذشته بود و شاه، بازگشت تاج و تختش را مدیون انگلیس و آمریکا بود. شاید به همین خاطر بود که شاه برای استقبال از ملکه انگلیس، در تشریفات سنگ تمام گذاشت.

کلید طلایی تهران در بدو ورود به او اهدا شد و با کالسکه‌های سلطنتی، راهی کاخ گلستان شدند. در کالسکه اول، محمدرضاشاه و ملکه الیزابت و در کالسکه دوم، همسرانشان فرح و فیلیپ نشسته بودند. ضیافت شام شب اول، به میزبانی شاه و فرح در کاخ گلستان بر گزار شد. روز دوم سفر، ملکه به مقبره رضاشاه در شهری رفت و با اهدای تاج گل، به او ادای احترام کرد. بعد از آن ملکه به بازدید خانه‌های کارگران شهری و آموزشگاه پرستاری و همسرش به بازدید مرکز اتمی دانشگاه تهران و شورای فرهنگی بریتانیا رفتند. عصر هم، مهمان مراسم ورزشی استادبوم امجدیه بودند. ملکه از موزه جواهرات سلطنتی هم بازدید کرد، شباهت الماس در این نور در ایران، با الماس کوه نور در موزه بریتانیا توجهش را جلب کرده بود.



بازدید الیزابت دوم، از موزه جواهرات سلطنتی در تهران

الیزابت در سفر به ایران، از موزه جواهرات سلطنتی هم بازدید کرد. شباهت الماس دریای نور در ایران، با الماس کوه نور در موزه بریتانیا، توجهش را جلب کرده بود. عکس این صحنه، بعدها خبرساز شد. کوه نور الیزابت به ایران، از موزه جواهرات سلطنتی هم بازدید کرد. شباهت الماس دریای نور در ایران، با الماس کوه نور در موزه بریتانیا، توجهش را جلب کرده بود. عکس این صحنه، بعدها خبرساز شد. کوه نور، الماسی بی‌نظیر است که نامش در تاریخ در کنار جفت دیگرش دریای نور، به‌عنوان غنائم جنگی نادرشاه از فتح هند ثبت شده است و در جریان دست به‌دست شدن‌های متعددش، به موزه سلطنتی بریتانیا رسیده بود و به نوعی، نمادی از حضور استعماری بریتانیا در هندوستان به‌شمار می‌رفت. ضیافت شام شب دوم، به میزبانی ملکه در سفارت انگلستان در تهران و با حضور شاه و فرح بر گزار شد. ملکه و همسرش شنبه و یکشنبه مشغول بازدید از اصفهان و شیراز بودند. آنها علاوه بر اماکن تاریخی معروف مثل میدان نقش جهان و تخت جمشید، از بیمارستان مسیحیان و آموزشگاه نابینایان اصفهان و حرم حضرت شاهچراغ و دانشگاه شیراز هم بازدید کردند. کلید طلایی اصفهان هم به ملکه اهدا شد. دوشنبه در آخرین ساعات حضور ملکه الیزابت، اعلام شد که مبارکی حضور او، بلوار تازه‌تأسیس پایتخت، از این پس بلوار الیزابت نامیده می‌شود. ۱۸ سال بعد از این سفر، وقتی انقلاب اسلامی پیروز شد، نام بلوار الیزابت به‌خاطر وجود ساختمان بلند وزارت کشاورزی در آن، به بلوار کشاورز تغییر یافت. سرانجام سفر چهارروزه ملکه بریتانیا به تهران در روز ۱۵ اسند به سر آمد...

عکس این صحنه، بعدها خبرساز شد. کوه نور، الماسی بی‌نظیر است که نامش در تاریخ در کنار جفت دیگرش دریای نور، به‌عنوان غنائم جنگی نادرشاه از فتح هند ثبت شده است و در جریان دست به‌دست شدن‌های متعددش، به موزه سلطنتی بریتانیا رسیده بود و به نوعی، نمادی از حضور استعماری بریتانیا در هندوستان به‌شمار می‌رفت. ضیافت شام شب دوم، به میزبانی ملکه در سفارت انگلستان در تهران و با حضور شاه و فرح بر گزار شد. ملکه و همسرش شنبه و یکشنبه مشغول بازدید از اصفهان و شیراز بودند. آنها علاوه بر اماکن تاریخی معروف مثل میدان نقش جهان و تخت جمشید، از بیمارستان مسیحیان و آموزشگاه نابینایان اصفهان و حرم حضرت شاهچراغ و دانشگاه شیراز هم بازدید کردند. کلید طلایی اصفهان هم به ملکه اهدا شد. دوشنبه در آخرین ساعات حضور ملکه الیزابت، اعلام شد که مبارکی حضور او، بلوار تازه‌تأسیس پایتخت، از این پس بلوار الیزابت نامیده می‌شود. ۱۸ سال بعد از این سفر، وقتی انقلاب اسلامی پیروز شد، نام بلوار الیزابت به‌خاطر وجود ساختمان بلند وزارت کشاورزی در آن، به بلوار کشاورز تغییر یافت. سرانجام سفر چهارروزه ملکه بریتانیا به تهران در روز ۱۵ اسند به سر آمد...

شاید نحوه پذیرایی شاه از ملکه انگلستان در تهران، بتواند نمادی از ادای دین به دولتی باشد که در تداوم سلطنت وی نقش اساسی داشته است.

سَمیرا سجودی روزنامه‌نگار گزارش

سخن در باب سلطنت در انگلستان، در پی مرگ الیزابت دوم و قدرت یابی چارلز سوم، رونقی فراوان یافته است. اینکه طول و عرض قدرت شاهان در این کشور چقدر است؟ و آنان تا کجا می‌توانند اراده خویش را عملی سازند؟ در زمره مقولاتی است که در این باب مطرح می‌شود. در گفت‌و شنود بی‌آمده خسرو معتضد، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، به این موضوع پرداخته است.

سلطنت در انگلستان و اختیارات آن در طول تاریخ را چگونه از زبانی می‌کنید؟ چه اینکه این روزها و در پی مرگ ملکه این کشور، این موضوع مورد اختلاف قرار گرفته است؟
ما یابد همیشه دنبال تلفی واقعی از پدیده‌ها و وقایع تاریخی باشیم. این موضوع نیز از این قاعده تاریخی مستثنی نیست. به‌رغم اینکه دولت انگلستان، سال‌ها بر ما سلطه وحشتناک داشته است و البته رجال ما هم دلشان می‌خواست، نباید در بررسی موضوعات مربوطه دچار سطحی‌نگری باشیم. ما سال‌ها با انگلستان در جالش بوده‌ایم، چون بسیاری از رجال ما انگولفیور یا روسوفیل بودند! تصور کنید در تبریز علمایی چون فقه‌الاسلام تبریزی و دیگر آزادخواهان را به دار آویخته‌اند، ولی در تهران ملیجک به جشن رومافها می‌روند و به آنها کارت می‌دهد. در واقع رجال سیاسی ما بیمار بودند و رفتن به سفار تخانه‌های انگلیس و روس را افتخار می‌دانستند. خاطرات علی‌خان ظهیرالدوله را بخوانید، نوشته است: «به رشت رفتم و دیدم نصف خانه‌های آنجا، پرچم روسیه را برافراشته‌اند!» این رفتار به‌خاطر آن بود که مالیات ندهند و مورد آزار قرار نگیرند، یا حاکم منطقه به دخترشان تعرضی نکند! داخل پرانتز بگویم که این استعمارگری انگلستان هم به‌خاطر آن است که انگلیس سرزمینی کوچک و در حدود ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع است. لذا انگلیسی‌ها هیچ چیز ندارند در زمان جنگ دوم جهانی، برای آنکه با کمبود مواد غذایی مواجه نشوند، چرچیل به مردم گفته بود: گوشت گاو و مرغ خوردن را رها خر گوشت را جایگزین آن کنید! چون خر گوشت ظرف یک سال، ۲۰۰ تا ۲۵۰پچه تولید می‌کند! لذا تخم‌مرغ‌ها برای ارتش بود و مردم تخم‌مرغ‌هاشان را تحویل دولت می‌دادند. تمام کشور انگلستان، تا سال ۱۳۳۰جیره‌بندی غذایی بود، حتی ۵ سال بعد از جنگ! انگلیسی‌ها برای پیشبرد اهدافشان در دیگر کشورها، آدم‌های نوک‌رصف‌ان جوامع را شناسایی می‌کردند. ما هم در جامعه خود این چنین افرادی را داشتیم، مثل سیدضیاءالدین طباطبائی، چنین افرادی، دشمنی انگلستان را خیلی خطرناک و دوستی‌اش را بی‌ضرر می‌دانستند! این افراد ریشه هر حادثه‌ای را، در اراده انگلستان جست‌وجومی کردند! مثلاً می‌گفتند:اگر حوض یخ بندد، اراده انگلیس هاست! یا اگر زن و شوهر از هم طلاق بگیرند، اراده آنها بوده است. این جزئی از اعتقادات آنها شده است.

ملکه انگلستان در کشور تحت حاکمیت خود، چقدر قدرت دارد؟
مسئله این نیست که در انگلستان، ملکه همه‌کاره باشد. انگلستان با آنکه سلطنت کهنی دارد، اما قریباً چیزی به‌عنوان قانون اساسی ندارد! درحالی‌که کشور ما قانون اساسی دارد. حتی در دوران پهلوی هم ما قانون اساسی مشروطه داشتیم، منتها به آن عمل نمی‌شد. ما امار انگلستان هر قانون جدیدی که وضع شود، به قوانین قبلی اضافه می‌شود؛ یعنی قوانینی که دارند، براساس سنت است و قانون بالادستی وجود ندارد! لذا آنچه در مورد ملکه یا پادشاه انگلستان گفته می‌شود که تمام کشتی‌ها، مرداب‌ها، سواحل صرفاً برای ملکه است، درست نیست. البته اختیاراتی که برای ملکه

سیاهی می‌کنند، زیاد است، اما این اختیاراتی است که از گذشته و در طول دوران پادشاهی انگلستان باقی مانده است. برخی حتی گفته‌اند که ملکه انگلیس فقط می‌تواند توصیه کند. در طول روز، گزارشی یک صفحه‌ای از وضعیت کشور و او می‌دهند. به واقع بخش مهمی از قدرت در آنجا را پارلمان به خود اختصاص داده است. با این همه سیستم سلطنتی، در انگلیس متخالفان زیادی هم پیدا کرده است. در دورانی که به انگلیس رفته بودم، در خیابانی دیدم که فردی به ملکه فحشی می‌دهد که این زن بیکاره و در جزا ۱۰میلیارد ثروت دارد؟ پلیس دخالت نکرد، تا اینکه این فرد به سیاهپوستی که در حال عبور بود گفت: بایست، بعد دستش را گرفت و گفت: این را برای تو می‌گویم، گوش بده... البته کینه‌ای که مردم انگلیس از سلطنت دارند، به‌خاطر ثروت این خاندان است. حتی در این روزهای تدفین ملکه انگلیس و پادشاهی چارلز سوم، فیلم‌هایی از مردم پختی می‌شود که شاه جدید را هم می‌کنند! اگر شاه انگلیس در کشور خود محترم باشد، چرا باید روز اول سلطنت مسخرش کنند؟ حتی در انگلستان، چارلز اول را گردن زدند! بعد از آن حکومت، ۱۲ سال جمهوری بود، تا چارلز دوم را بر کنار کردند. دورانی که انگلستان جمهوری بود، هم‌زمان با دوران شاه‌عباس صفوی در ایران است، حتی شاه‌عباس به انگلیسی‌ها می‌گفت: «چون شما پادشاهان را اعدام کردید، ما دیگر به شما ابریشم نمی‌فروشیم». به همین خاطر هم، هلندی‌ها را جایگزین آنها کرد. بعد از این ۱۲ سال، چارلز دوم به سلطنت رسید. اما این دوران هم، از بدترین دوران‌های دولت انگلستان بود. چون طاعون بزرگ شیوع پیدا کرد و هزاران نفر در لندن کشتا بعد از آن هم تمام شهر لندن در آتش سوخت! لذا چارلز دوم هم بر کنار شد. حال به همین خاطر، انگلیسی‌ها می‌گویند: «این پادشاهی چارلز سوم شگون ندارد!» شاید برخی از فحاشی‌های مردمی به او در خیابان‌ها، به یاد چارلز اول و دوم و بدبختی‌هایی است که بر سر مردم انگلستان آمده است.

علت اعدام چارلز اول چه بود؟
چارلز اول به‌خاطر آنکه ضدپارلمان و دشمن مردم بود، گردن زده شد! پس از او یک وکیل دعایو به نام الیور کراول، به مدت ۱۲ سال جمهوری تشکیل داد. با مرگ او چارلز دوم که در هلند زندگی می‌کرد، به انگلستان بازگردانده شد و به تخت سلطنت نشست.

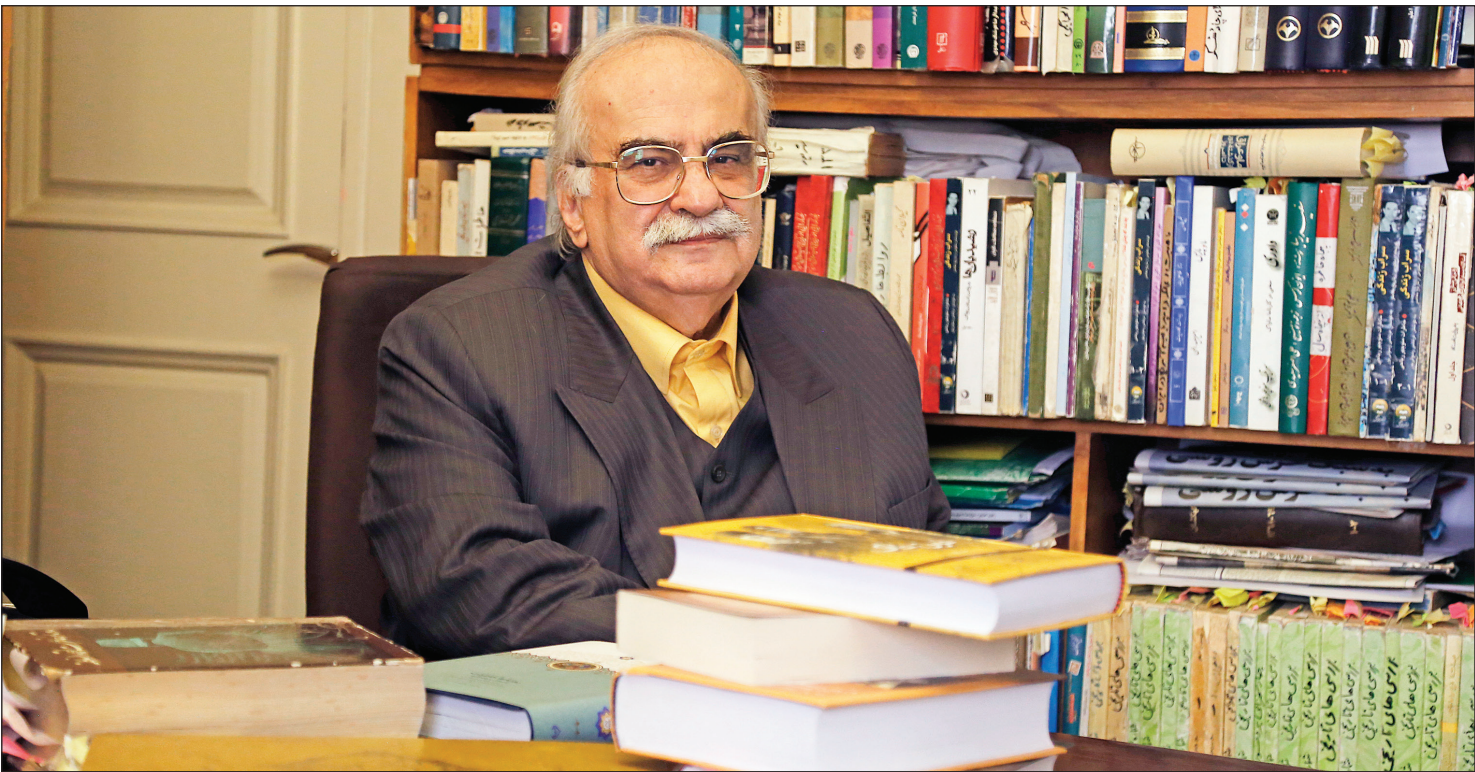
پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به چه دلیل انگلیس نتوانست با نخواست که محمدرضا پهلوی را در خاک انگلیس بپذیرد؟
شاه، ملکی در ناحیه استیلمانس انگلستان خریداری کرده بود. این ملک بسیار زیبا بود که ۳میلیون لیره قیمت داشت. مهندس قیاد گفته‌اند که در کتاب «سرگذشت نفت ایران» می‌نویسد که شرکت نفت پول این ملک را پرداخت، ولی به نام ولیعهد. دولت انگلستان، ۴دلیار برای عهده‌پذیرش محمدرضاپهلوی ارائه داده بود.

۱- حضور ۲۰هزار دانشجوی ضدسلطنت در انگلستان.
۲- وجود معاملات انگلستان با ایران، مثلاً در آن دوران ما ۴۰۰۰تاکت جیفن از انگلیس خریداری کرده بودیم که خوشبختانه ۱۸۰تاکت به ما تحویل داده شد! چون تانک‌ها به درد ما نمی‌خورد و انگلیسی‌ها در آن معامله، سر ما را کلاه گذاشته بودند، ژنرال‌های عراقی در خاطراتشان گفته‌اند که چطور مثل آب خوردن این تانک‌ها را مورد هدف قرار می‌دادند. یک تیپ عراقی، از پس ۵۰تاکت جیفتن برمی‌آمد.

۳- عدم تأمین امنیت شاه ایران در انگلستان. معتقد بودند امکان دارد فداییان فلسطینی او را ترور کنند. به‌طایور که می‌دانید کارلوس در آن دوران گفته بود: بالاخره از شاه انتقام می‌گیرم!

۴- مردم استیلمانس، از حضور نیروهای امنیتی ایراد گرفتند. آنها گفتند: شما پشت استیلمانس

تاریخ



نگین همسفری ارطغرل‌زاده

«چارلزها» چندان خوش اقبال نبوده‌اند!

«سلطنت در انگلستان، پیشینه و چشم‌انداز» در گفت‌و شنود با خسرو معتضد

مواضع ضد تانک می‌گذارید و سننگرندی می‌کنید، در حالی‌که اینجا دهکده توریستی است، ما نمی‌خواهیم وضعیت زندگی‌مان دست‌خوش تغییرات شود. هر چند تمام این دلایل بیشتر به بهانه شیبه بود، ولی این نکات در کتاب خاطرات راجی، سفیر ایران آمده است.

با این وصف انگلستان، حتی به متحدین دیرین خود هم رحم نمی‌کند؟
جالب اینجاست که خانم تاجر زهر حزب محافظه‌کار) هم که در سال ۱۳۵۶ به ایران آمد و با شاه ملاقات کرد، مدعی بود که او را تحسین می‌کند. تاجر حتی می‌گفت: «من به محض اینکه در انتخابات پیروز شوم، شاه ایران را به انگلستان می‌برم.» ولی او وقتی پیروز انتخابات شد، گفت: «خبر، من منصرف شدیم.» دولت انگلیس پس از آن، سرندیس رایت را نزد شاه ایران به باهاما می‌فرستد. جالب است که رایت ریش می‌گذارد و به باهاما می‌رود و از محمدرضاپهلوی می‌خواهد که به انگلستان نیاید! رایت اضافه می‌کند: «شما با این اصرار تا این ملکه را ناراحت می‌کنید، ایشان برای رفع مشکلات ۴نامۀ نوشته، ولی مجلس نپذیرفته است.» پس این نیست که ملکه هر چه اراده کند، انجام شود.

به هر روی شاهان انگلستان، در حد توشیح و تأیید نسبت به آنچه در کشور‌های تحت استعمار خود صورت می‌گیرد، مسئول هستند. آن گذشته این کشور، در ایران سابقه سیاه و غیر قابل دفاعی دارد که شنیدن آن در این بخش از گفت‌و گو مغتنم است؟
انگلستان جنایات بسیاری در دنیا و به‌خصوص در ایران انجام داده و همیشه ما در مقابل آنها معنوم بودیم. انگلیسی‌ها ابتدا در دوران شاه‌هماسب به ایران آمدند، ولی همان زمان از ورودشان به کشور جلوگیری شد! شاه عباس گفته بود: روی جای پای آنتونی جنکینسن، نماینده دولت انگلیس، خاک بریزند که نجاستش از بین برود! از طرفی انگلیسی‌ها پس از ورودشان به ایران، طی قرارداد



چارلز سوم، پسر شاه انگلستان

قبل از هر چیز، اسم چارلز در نظر مردم انگلیس چندان جالب نیست. از طرفی و به‌طور مشخص، شخص چارلز سوم هم، زیاد در انگلستان محبوب نیست و پرونده درخشانی ندارد. این به‌خاطر چیست؟
نسبت به همسرش دایانا انجام نقطه‌ضعف دیگر چارلز، سالخوردگی فراوان اوست. هم اکنون ۷۴سال سن دارد و مثل همه پادشاهان فرانسه و انگلیس، از زمانی که متولد شده ولیعهد بوده است. لذا همه تصور می‌کنند، به‌زودی ویلیام پادشاه می‌شود. هنر چارلز می‌تواند این باشد که چندان در امور کشور دخالت نکند؛ کما اینکه ظاهراً چنین تصمیمی هم دارد.

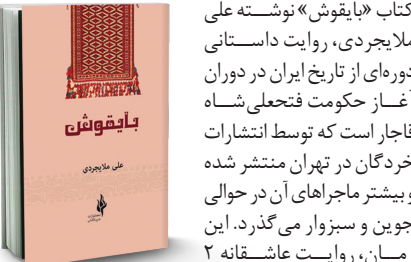
۱۹۰۷ با دولت روسیه، ایران را به ۳قسمت تقسیم کردند. انگلیسی‌ها در سال ۱۹۱۵ نیز با توافقی که با روس‌ها انجام دادند، ایران را به ۴قسمت تقسیم کردند. انگلیسی‌ها نهایتاً در سال ۱۹۱۹، طی قراردادی ایران را به‌طور کامل خریداری کردند. وثوق‌الدوله به‌عنوان نخست‌وزیر و آوزیر دربار ایران، این قرارداد را به امضا رساندند. انگلیسی‌ها با دسیسه‌های خود، موجب جدایی هرات از ایران نیز شدند. از دیگر جنایات انگلیس این است که شرکت نفت انگلیس و ایران، ۵۰سال نفت ما را غارت کرد! در یکی از آن سال‌ها، فقط ۲۸۰میلیون لیره به خزانه‌داری بریتانیا مالیات دادند، در حالی‌که جمع پولی که به ما ظرف ۵۰سال پرداخت شد، فقط ۱۰۹ میلیون لیره بود. از طرفی انگلیسی‌ها ایران را وارد پیمانیه به‌نام بغداد کردند که هیچ فایده‌ای برای ما به همراه نداشت. انگلیسی‌ها همواره روسیه را نیز علیه ما تحریک کردند، لذا وقتی روس‌ها در زمان دولت شریف‌امامی به ایران آمدند، ما صاحب کار خانه ذوب‌آهن شدیم؛ چرا که تا پیش از آن، انگلیسی‌ها اجازه چنین تاسیساتی به ایران نمی‌دادند. در واقع دولت‌های انگلیس، امکان آمریکا و فرانسه معتقد بودند که ذوب‌آهن برای یک ملت روستایی لازم نیست! روس‌ها علاوه بر ذوب‌آهن، کارخانه ساخت توپ نیز در ایران احداث کردند. لذا توپ‌هایی که در جنگ با عراق از آنها استفاده می‌کردیم، حاصل کار خانه تاسیسی روس‌ها در اصفهان بود.

البته انگلیسی‌ها خواسته یا ناخواسته، در طول تاریخ کارهایی هم به نفع ما کرده‌اند. مثلاً انگلیسی‌ها با نیروی در یایی خود به ما کمک کردند که بر تغال را از سواحل ایران بیرون برانیم؛ چرا که در آن مقطع از اروندرد (شط‌العرب)، کمک انگلیسی‌ها از آن رو بود که می‌خواستند به خلج فارس دست یابند. کار دیگر انگلیسی‌ها، به زمان شاه عباس بازمی‌گردد. آنتونی شرلی، رابرت شرلی، تامس شرلی و یک سرهنگ به‌نام تامس هادفور، به ایران آمدند، با پول ما اسلحه ساختند و به ما تحویل دادند. در آن مقطع انگلیسی‌ها، ۳۰۰توپ جنگی و ۶۰هزار تفنگ ساختند و ما به واسطه آنها، توانستیم دولت عثمانی را شکست دهیم. در دوران جنگ عباس میرزا با روس‌ها هم، انگلیسی‌ها ۲۰هزار تفنگ و چند توپ جنگی به ایران دادند. چون آن زمان روسیه متحد پابلون بود و انگلیس در حال جنگ با پابلون. بنابراین این کارشان هم، بیشتر خدمت به خودشان بود. البته ناگفته نماند که ساخت بیمارستان در ایران هم، با مقاصد خاص و ازجمله برای مسیحی کردن مردم بود. انگلیسی‌ها مدرسه‌هایی هم در ایران تأسیس کردند. ولی در مجموع سیاست انگلستان با ایران، همیشه سیاست دو دوزه بوده و عمدتاً ما را فروخته‌اند! انگلیسی‌ها همیشه همراه با همسایه شمالی، علیه ما قدم بر می‌داشتند.

اشاره کردید که چارلزها، در سلطنت چندان خوش شانس نبودند. شما سلطنت چارلز سوم را چطور از زبانی می‌کنید؟
قبل از هر چیز، اسم چارلز در نظر مردم انگلیس چندان جالب نیست. از طرفی و به‌طور مشخص، شخص چارلز سوم هم زیاد در انگلستان محبوب نیست و پرونده درخشانی ندارد. این به‌خاطر خیانتی است که نسبت به همسرش دایانا انجام داد. او در حالی‌که دایانا همسرش بود، با کاملیا رابطه مخفیانه داشت. دایانا هم از سر کینه طلاق گرفت. نقطه ضعف دیگر چارلز، سالخوردگی زیاد اوست. هم اکنون ۷۴سال سن دارد و مثل همه پادشاهان فرانسه و انگلیس، از زمانی که متولد شده ولیعهد بوده است. لذا همه تصور می‌کنند، به‌زودی ویلیام پادشاه می‌شود. هنر چارلز می‌تواند این باشد که چندان در امور کشور دخالت نکند؛ کما اینکه ظاهراً چنین تصمیمی هم دارد.

تاریخ خراسان

بایقوش



کتاب «بایقوش» نوشته علی ملاچردی، روایت داستانی دوره‌ای از تاریخ ایران در دوران آغاز حکومت فتحعلی‌شاه قاجار است که توسط انتشارات خردگان در تهران منتشر شده و جوبن و سبزواری می‌گذرد. این رمان، روایت عاشقانه ۲ شخصیت، طرلان و گل‌محمد بیگ در نزاع خان‌های خراسان و حکومت مرکزی است. توصیف ۲ شخصیت اصلی داستان به این شکل است که طرلان، فرزند کوچک و تفرغی‌الهیارخان، حاکم جوین، دختری باسواد، صبور، شجاع، سوارکاری ماهر و عاشق شنیدن افسانه‌های خراسان، ترک و ترکمن است. ماه‌بیگم، زنی میانسال است که شوهرش در یکی از جنگ‌ها همراه با علی‌قلی‌خان کشته شده است. او حکم معلم و دایه را برای طرلان دارد. افسانه‌گوی خوبی هم است. گل محمد بیگ، هم فرزند سالار سپه‌ا الهیارخان، جوانی رشید، اسب‌دوانی ماهر و علاقمند به موسیقی و ترانه‌های بومی است. او در کنار مادرش و خواهرش، گل‌افروز، مرد خانه است. کتاب بایقوش حاوی اصطلاحات، مثل‌ها و ترانه‌های محلی است که خواننده را با فرهنگ مردمان خراسان به‌ویژه سبزوآر بیشتر آشنا می‌کند. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «پاییز بود، فصل پرکاری دهقانان و باغداران جوین. پنجه‌ها قوز‌ها شکفته بودند و دشت را در شب روشن می‌کردند. تازه خرمن‌ها را چیده بودند. زنان روستا چنته‌ای بر کمر بسته پنجه‌ها را می‌کشیدند و در جوال‌های بزرگ می‌کردند تا سر و کله تاجرهای عشق آبادی پیدا شود و پنجه‌ها را با قیاق‌های بزرگ توزین کنند و بار کاروان شتر به‌سوی شمال راه بیفتد.»

تاریخ پایداری

علمدار ثارالله



کتاب «علمدار ثارالله» روایتی از زندگی سردار شهید حاج یونس زنگی آبادی، از شهدای لشکر ۲۸ ثارالله کمان، به قلم محسن بغلانی است که از سوی مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت در تهران منتشر شده است. شهید یونس آبادی در عملیات‌های بسیاری حضور داشت تا اینکه در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید. وی به تعبیر شهید سلیمانی، امیدفرمانده بود و شهید حاج قاسم سلیمانی بسیار به او علاقمند بود و به‌خاطر شجاعت او، عملیات‌های سخت و پیچیده و محورهای دشوار را به او می‌سپرد. محسن بغلانی کتاب «علمدار ثارالله را در ۴ فصل با عناوین «لاحسین»، «حاج یونس ملاحسین»، «دوران التهاب» و «با ولایت تا شهادت» تنظیم و در هر فصل یک مقطع مهم و تأثیرگذار از زندگی سردار شهید حاج‌یونس زنگی آبادی را روایت کرده است. در فصل اول رویدادهای دوران کودکی روحانی و شرایط فرهنگی و اجتماعی خانواده‌اش روایت شده و در فصل دوم، به اتفاق‌های دوران نوجوانی وی پرداخته می‌شود که شخصیت او در این مرحله به نوعی به بلوغ فکری می‌رسد. همچنین فصل سوم کتاب، حضور حاج یونس در مبارزات دوران انقلاب اسلامی را روایت می‌کند و در نهایت فصل چهارم کتاب به حضور و نقش سردار شهید حاج‌یونس زنگی آبادی در عملیات‌های مختلف دوران دفاع‌مقدس اختصاص یافته. در بخش پایانی کتاب، علاوه بر متن کامل وصیت‌نامه سردار شهید حاج‌یونس زنگی آبادی، ۹قطعه عکس و سند مرتبط با موضوع اثر ضمیمه کتاب شده است.

تاریخ سرزمین

زیر درخت بلوط



کتاب «زیر درخت بلوط» مردم، تاریخ و طبیعت روستای سرسختی علیا به قلم جمشید اثنی عشری از سوی انتشارات آریاداد منتشر شده است. این کتاب نگاهی به تاریخ، جغرافیا و فرهنگ سرسختی علیا سرزمینی کهن دارد. سرسختی علیا یکی از آبادی‌های کشور و از روستاهای دارای سکنه استان مرکزی متعلق به بخش مرکزی شهرستان شازند است که تقریباً پیشینه‌ای معادل ۷۵قرن، یعنی ۷هزار و ۵۰۰سال دارد. درباره روزهای دشواری که در تاریخ روستا ثبت شده موضوع قطعی است که از عواقب جنگ جهانی اول محسوب می‌شود. در یکی از فصول کتاب با عنوان «مالکیت و مدیریت» به نکاتی درباره مالکیت در روستا، طوایف، باکارا، اصلاحات ارضی در روستا، مدیریت در روستا، شورای اسلامی شهر، اجباری و... پرداخته است. کشاورزی، باغداری و دامداری، از دیگر موضوعات کتاب است که به‌طور مشروح به آن پرداخته شده است. بخشی از کتاب هم به موضوع بلوط‌های در معرض انقراض روستا پرداخته است. همچنین موضوع آموزش و شرح شکل‌گیری مدارس جدید و وضعیت آموزش روستا پیش از مدارس نوین از دیگر مطالب کتاب است. نویسنده بخش دیگری از کتاب را به موضوع «فرهنگ سنت‌ها و سرگرمی» اختصاص داده و سراغ جشن‌ها، عذارای‌ها، دورهمی‌ها و بازی‌های این روستا رفته و خواننده را با فرهنگ آن آشنا می‌کند. مولف همچنین بخشی از کتاب را به «نام‌آوران» روستای سرسختی علیا اختصاص داده و در بخش پایانی هم تصاویر متنوعی از روستا گنجانده شده که مخاطب را با روستای سرسختی علیا بیشتر آشنا می‌کند.